

پیش از آنکه دیر شود

محمد رضا هویدا

حوادث ناگوار بی در پی در روزهای گذشته افغانستان را در سوگ و غم تشنابید. حوادث اخیر ناگفته ها و حقایق بزرگی را برملا کرد. حوادث طبیعی که در شماری از ولایات از جمله پنجشیر و پامیان و غور رخ داد، چهره زندگی سخت و مشقت بار مردم افغانستان را نشان می دهد که در مناطق صعب العبور و خطرناک که با هر بارش برفی زندگی مردم تهدید می شود، زندگی می کنند. این مردم به ناچار در این مناطق زندگی می کنند و دولت نیز نتوانسته است برای آنها تسهیلاتی فراهم کند که میزان مخاطره به حد اقل برسد. برف کوچ ها زندگی دهها انسان را گرفت. در حالی که بشر با پیشرفت و تکنالوژی به میزان یالایی دردمد خطر را در این گونه موارد کاهش داده است.

با بروز این حوادث عکس العمل دولت نیز قابل توجه است. در افغانستان نهادهایی موظف هستند تا اولاً پیش از اینکه خطر واقع شود یا تشخیص احتمال خطر، نسبت به پیشگیری خطرات اقدام شود.

در چنین حالتی گروه هایی که بتوانند سرک ها را از برف پاک کنند در بعضی از ولایات کشور قبلاً هم فعال بوده اند و به مرور زمان باید فعالیت های شان بیشتر شود.

و تانیا امکانات و تسهیلاتی که در مواقع بروز بحران نیاز می شود باید به این ولایات و مناطق منتقل شود تا در هنگام بروز بحران دولت بتواند با سرعت بیشتری به کمک مردم بنشیند. و تانیا نهادهای مسئول باید به زودترین فرصت به کمک افراد آسیب دیده بنشینند و در حد اقل فرصت ممکن کمک های مورد نیاز را به آنها برسانند.

رایعاً نیز، دولتمردان با درایت و هوشیاری باید سعی کنند تا بهترین عکس العمل را در چنین مواردی داشته باشند تا میزان آسیب ها به حد اقل برسد.

دولت افغانستان در تمام موارد، متناسفانه نتوانسته است به وظایف اساسی خود عمل کند. نه اقدامات پیشگیرانه لازم را داشته است و نه توانسته اقدامات احتیاطی را به موقع انجام دهد و نه کمک های لازم نسبت به حجم فاجعه های رخ داده بوده و نه عکس العمل دولت، در این موارد بهترین تصمیم ممکن بوده است.

دولت نه تنها در مواردی نظیر حوادث برف کوچ در ولایات کشور ناموفق عمل کرده، بلکه نسبت به نیازمندی های اساسی اقتصاد و زندگی در کشور بی احتیاط عمل کرده است و نتوانسته جوابگوی نیاز شهروندان باشد.

قطع برق برای هفته ها در کابل امری نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت. زندگی روزمره و تولیدات اقتصادی به خصوص فریقه ها در کابل به همین برق بستگی دارد و قطع برق به همه آنها صدمه زده است. خسارتی که از این خاطر به اقتصاد کشور و مردم وارد می شود، به اندازه بزرگ است که شرکت پرشنا و مسئولین امور قادر نیستند آن را جبران کنند.

سرنوشت سی تن مسافری که در مسیر هرات به فندهار روده شده اند و به احتمال زیاد در منطقه ای در زابل نگهداری می شوند نیز میزان آسیب پذیری افراد در افغانستان را نشان می دهد. در حالی که دولت در عملیات بزرگی علیه تروریست ها قرار دارد، دهها مسافر از یکی از پر رفت و آمد ترین راه های کشور از مسیر هرات به فندهار روده شده است و روزهاست که خبری از سرنوشت آنها نیست.

طبق آخرین آمار، منتقدین محلی نتوانسته اند در مورد آزادی افراد روده شده به نتیجه ای برسند. دولت نیز به نظر می رسد با خونردی یا مسئله برخورد می کند.

این حوادث پسر اعتماد مردم نسبت به دولت وحدت ملی تأثیر زیادی می گذارد. دولت وحدت ملی با وعده هایی که به مردم داده است، اگر چنین کارنامه ای داشته باشد که بعد از ماه ها نتوانسته وزارت های کلیدی امنیتی و اقتصادی خود را صاحب وزیر بسازد، چگونه می تواند عکس العمل جدی و متناسبی را در مواقع بروز بحران داشته باشد.

بسیاری از کارهایی که دولت می بایست انجام دهد، پیش از آنکه دیر شود و فرصت به پایان برسد باید انجام شود. بسیاری از امور هستند که با پایان یافتن فرصت و از دست رفتن زمینه ها قابل جبران نیستند.

کشور در روزهای اخیر شاهد رویدادهای تلخ و فاجعه باری است. رویدادهای که در مجموع خسرم طبیعت و کینه مخالفین و ناپسمانی های جامعه و حکومت را بیش از پیش برملا می سازد. ربایش نزدیک به ۴۰ تن از مسافری در مسیر فندهار - کابل یکی از تکان دهنده ترین رویدادهای چند روز اخیر است. براساس گزارش های نشر شده افراد مسلح ناشناس نقاب پوش، ۳۰ مسافر را در فندهار - کابل در منطقه شاه جوی ولایت زابل ربودند. گفته می شود که ربوده شدگان مهاجران قبایل هزاره بودند که از ایران به کشور باز گشته بودند. طبق آخرین اطلاعات بدست آمده تلاش های صورت گرفته برای ارنیاط با مسافران ربوده شده و نیز نجات آنان در جنگ آدم ربایان به نتیجه ای نرسیده است. وزارت داخله کشور یا نشر اعلامیه ای ضمن تأیید این خبر گفته است که جستجوها برای یافتن مسافران ربوده شده آغاز شده است. نکته تأمل برانگیز این است که پنا یافته نماینده شرکت غزنی بیما، که ربوده شدگان مسافر این شرکت بوده اند، می گوید که در طول دو ساعت توقف در ایستگاه مسافران ربوده شده آغاز شده است. نکته تأمل برانگیز این است که پنا یافته نماینده شرکت غزنی بیما، که ربوده شدگان مسافر این شرکت بوده اند، می گوید که در طول دو ساعت توقف در ایستگاه مسافران ربوده شده آغاز شده است. نکته تأمل برانگیز این است که پنا یافته نماینده شرکت غزنی بیما، که ربوده شدگان مسافر این شرکت بوده اند، می گوید که در طول دو ساعت توقف در ایستگاه مسافران ربوده شده آغاز شده است. نکته تأمل برانگیز این است که پنا یافته نماینده شرکت غزنی بیما، که ربوده شدگان مسافر این شرکت بوده اند، می گوید که در طول دو ساعت توقف در ایستگاه مسافران ربوده شده آغاز شده است.

نظر افزوده است که اگر گفتوگوها میان بزرگان قوم و گروگان گیران در مورد آزادی امنیتی عملیات نظامی را برای رهایی آن ها به راه خواهند انداخت. اما واقعیت آنست که باوجود اظهار نگرانی های بسیار و جدی بخاطر افزایش ناآمنی بویژه در مسیر راه های رفت و آمد ولایات مقام های حکومتی در این باره توجه جدی از خود نلشسان ندادند. روایتی که شاهدین عینی از صحنه رویدادها بازگو می کنند نشان از آن دارد که نیروهای امنیتی آنگونه که باید به مسئولیت خویش عمل ننموده و از بابت این سهل انگاری هیچگاه مورد باز پرس نیز قرار نگرفته اند. بنابراین با فاطمیت می توان گفت ادامه چنین بی توجهی و بی تفاوتی نسبت به این رویدادها، افزایش روزافزون راه های مواصلاتی کشور خواهد بود. در صورتی که طالبان با هر گروهی دیگر با استفاده از گروگان گیری در راه های مواصلاتی باج بگیرند، در آن صورت همهی راه ها برای مردم ناآمن خواهد شد. در گزارش دیگر گفته شده است که در روزهای اخیر ، ولایات بدخشان، پروان، کاپیسا، تخار، پامیان، تنگه سار، بغلان، نورستان و لغمان و پنج شیر شاهد برزخ برف های شدید و برف کوج های سهمگین بوده اند که در اثر آن تلفاتی جدی به جا گذاشته شده است. بطور مشخصی گفته شده است که بر اثر سرازیر شدن برف کوچ در ولسوالی میامی ولایت بدخشان ۲۱ تن گشته شدند. هم چنین سرپرست ولایت نورستان نیز از گشته شدن ۱۱ تن و تخریب شدن دهها خانه در اثر برزخ برف و باران های اخیر در این ولایت خبر داده است. اما با استناد به گزارش های یاد شده در نتیجه برف کوج و توفان های بی پیشینه در روزهای اخیر هفته گذشته اظهار نظر سرپرست ولایت زابل، لانسکر جهنگوی پاکستان و تعدادی از جتی ها را عامل اصلی گروگان گیری ۳۰ تن در این ولایت اعلام کرده است. وی با اعلام این

نظر افزوده است که اگر گفتوگوها میان بزرگان قوم و گروگان گیران در مورد آزادی امنیتی عملیات نظامی را برای رهایی آن ها به راه خواهند انداخت. اما واقعیت آنست که باوجود اظهار نگرانی های بسیار و جدی بخاطر افزایش ناآمنی بویژه در مسیر راه های رفت و آمد ولایات مقام های حکومتی در این باره توجه جدی از خود نلشسان ندادند. روایتی که شاهدین عینی از صحنه رویدادها بازگو می کنند نشان از آن دارد که نیروهای امنیتی آنگونه که باید به مسئولیت خویش عمل ننموده و از بابت این سهل انگاری هیچگاه مورد باز پرس نیز قرار نگرفته اند. بنابراین با فاطمیت می توان گفت ادامه چنین بی توجهی و بی تفاوتی نسبت به این رویدادها، افزایش روزافزون راه های مواصلاتی کشور خواهد بود. در صورتی که طالبان با هر گروهی دیگر با استفاده از گروگان گیری در راه های مواصلاتی باج بگیرند، در آن صورت همهی راه ها برای مردم ناآمن خواهد شد. در گزارش دیگر گفته شده است که در روزهای اخیر ، ولایات بدخشان، پروان، کاپیسا، تخار، پامیان، تنگه سار، بغلان، نورستان و لغمان و پنج شیر شاهد برزخ برف های شدید و برف کوج های سهمگین بوده اند که در اثر آن تلفاتی جدی به جا گذاشته شده است. بطور مشخصی گفته شده است که بر اثر سرازیر شدن برف کوچ در ولسوالی میامی ولایت بدخشان ۲۱ تن گشته شدند. هم چنین سرپرست ولایت نورستان نیز از گشته شدن ۱۱ تن و تخریب شدن دهها خانه در اثر برزخ برف و باران های اخیر در این ولایت خبر داده است. اما با استناد به گزارش های یاد شده در نتیجه برف کوج و توفان های بی پیشینه در روزهای اخیر هفته گذشته اظهار نظر سرپرست ولایت زابل، لانسکر جهنگوی پاکستان و تعدادی از جتی ها را عامل اصلی گروگان گیری ۳۰ تن در این ولایت اعلام کرده است. وی با اعلام این



داد به توانایی و ظرفیت و امکانات چنان شرکت هایی در چنان مناطق برحانه خیر اهمیت لازم را داده و از نظر دور نداشتند باشند. به هر صورت، واقعیت تلخ آنست که مواردی از سهل انگاری ها و غفلت های مسئولین درباره برخورد با رویدادهای طبیعی بر سرش بر انگیز است و طبق قانون و لایحه وظایفی که دارند باید در برابر برسرش های موجود پاسخگو باشند. در صورت عدم فتناعت باید مجازات قانونی خود را دریافت دارند. اما دیده می شود که حکومت در برابر وقوع رویدادهای فاجعه بار نالسی از تحرکات مخالفین و حوادث طبیعی هیچ تکانه ای بخود راه نداده اند. آنان فقط به اظهار غم شریکی و ناسف و یا نگرانی از وضعیت بستنده ورزیده اند. هرچند این واکنش های نیز لازم و استثنائی است اما بستنده و کافی نیست. مسئولیت آنان جدی تر از آنست. تلاوم بی توجهی به چنین مسائلی و رویدادهای از سوی حکومت وحدت ملی در نهایت متجر به بی اعتمادی و بوجود آمدن فاصله میان مردم و حکومت خواهد شد که هرگز به منافع کشور نخواهد بود و مشروعیت و مقبولیت حکومت را نیز زیر سوال قرار خواهد داد.

قسمت چهارم

تصویب و تأیید شاه نیز عیرسید. علاوه بر آن مسایل نظیر بودجه، معاهدات و بیمان نامه های خارجی نیز جزء وظایف آن به شمار میرفت. در موردی که تدوین و اجرای قوانین ضرورت میبافت «شورایادولت» مجلس وزراء و در نهایت «لوی جرگه ها» به آن مبادرت میکردند برای نمونه وضع و تصویب قوانین القاب، تذکر و نفوس، تعمیرات دولتی، تفریق وظایف حکام و مأمورین، تقوای، تشویق صنایع بندبخانه ها، تحصیلی، تریه انام، تعلیم نامه نظامی، زراعت لایمی، تقوای، سفری، فروش املاک دولتی، خوشل گری...قانون اساسی، قانون تشکیلاساسی، جزای عمومی و جزای عسگری۱۳۴۱ ز آن چمپلاند. ۲. قوه قضائیه:در گذشته امور قضایی تابع تصمیمات و صلاحیتهای قاضی که دارای اختیارات گسترده نیز بود.تعریف میشد،به حدود دیگر قوانین عدون که اختیارات و محدود صلاحیت های قانونی قضات و نیز نوع مجازانها و کیفرهای متناسب با جرایم را از قبل تعیین نماید وجود نداشت و در واقع مجازاتها تابع نظرات شخص قاضی بود. در دوران شاه اممان الله به کمک برخی از قبهای نواندیشی نظیر، عبد الواسع فندهاری اقدام به تدوین کتاب «مسک القضاة امامیه» نمود. که بر پایهی آن اختیارات و صلاحیتهای قضات محدود و بالاتر و مهمتر از همه به تعریف و تعیین مجازات و جرم نیز پرداخته شد. به گفته غبار «این در افغانستان یک تغییر اساسی فقهی بود که به عمل آمد و صف قضات را برای همیشه از دولت و تحولات جدید متنفر و بیزار ساخت.حکام طبق احکام قانون اساسی از مدخلات دیگران آزاد و محاکمه متهمین نیز علنی گردید.۳۵» ۳.قوه اجرائیه:قوه اجرائی به وسیله هیئات وزیران که در رأس آنها صدر اعظم قرار داشت،وزرای جنگ،امور خارجه، داخله،مالیه، تجارت، عدلیه، معارف، زراعت و نقلیات تشکیل میگردد. شاه بالاترین مقام و در عین حال عهددار وزارت جنگ نیز بود. تفکیک نسبی قوای سه گانه در این دوره موضوع مهم و تغییر قابلتوجه بوده است اما به دلیل این که در نهایت تمام صلاحیتهای و اختیاراتهمچنان در اختیار شاه قرار داشت و در واقع فرامتها و تصمیمات قوای سهگانه به تأیید شاه نیازمند بود. این موضوع به توزیع قدرت و تعیین دقیق و روشن مناسبات قوای سه گانه کمک چندانی نکرد.....ادامه دارد

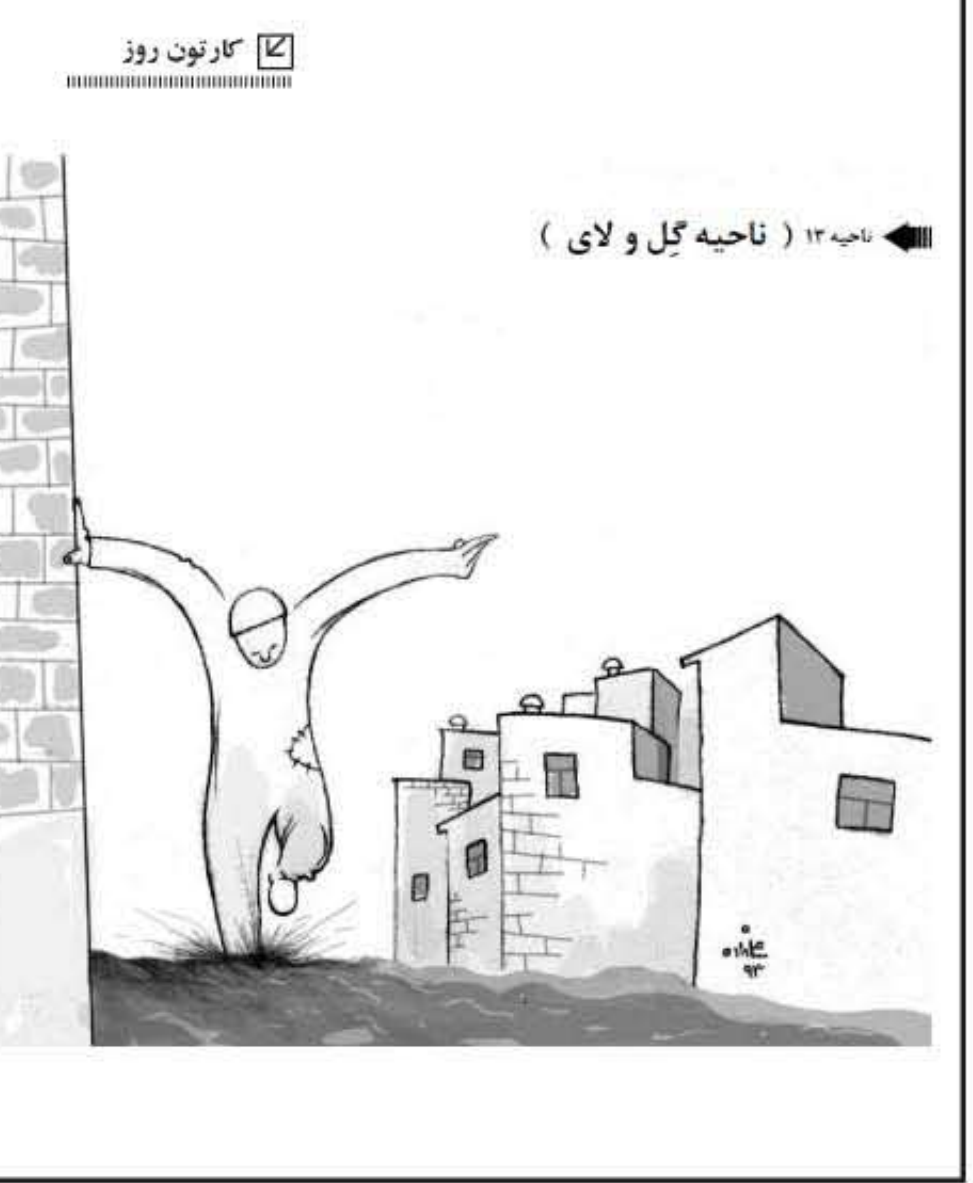
پیشینه مشروطه خواهی در افغانستان

عمل میآورند،اساس جمهوری را تحکیم میکند.قانون اساسی از یک حجت رابطه میان انتخاب کنندگان و انتخاب شدگان را کنترل و تنظیم میکنند.و از زاویه دیگر واسط های میان مردم و حکام در جمهوری است بنابراین قانون اساسی وسیله ی نهایی نظارت مردم بر حکام منتخب خویش است از این رو تفکیک قوا و نظارت آنها بر یکدیگر لازمه ی حکومت جمهوری است. نا جایی که در مطالعه تاریخ استیضاب میگردد،رسیدن به مرحله تدوین قانون اساسی در یک کشور، نشانگر رشد و تکامل جامعه و مردم آن بوده تا عوامل دیگر، بهنترن این مرحله بعد از استقلال سیاسی کشور و با پیروزی انقلاب در یک کشور تحقق پذیر شده است.اولین قانون اساسی مدون جهان بعد از انقلاب و استقلال ایالات متحده آمریکا بوجود آمد.در افغانستان نیز اولین قانون اساسی در چهار سال بعد از استقلال تدوین شد.

قبل از استقلال به دلایلی چند از جمله حکومتهای استبدادی مانع از آن میشد که این امر انسانی، مطرح و تحقق یابد.چراکه در گذشته های دور اصلاً زمینه ی این کار وجود نداشت و برای خیلی ها این طرح شناخته شده نبود؛زمانی که موضوع قانون اساسی و حقوق بشر در جهان مطرح شد، افغانستان در یک تاریکی مطلق و بخت اداره یک نظام متمرکز استبدادی قوی قرار داشت که مجال و جرأت نفس کشیدن برای آگاهی سیاسی نمانده بود.۲۷ شاه اممان الله با تفکر نوگرایانهی که داشت نخستین قانون اساسی افغانستان به عنوان «نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان» در لوی جرگه هشتمند نفری جلال آباد که از سوی شاه ترتیب یافته بود در سال(۱۳۰۲ش)به تصویب نمایندگان حاضر رسید و پارذیگر همان نظامنامه با تغییراتی که در آن صورت گرفت در لوی جرگه بغمان در سال ۱۳۰۲ ش به تصویب نمایندگان رسید که شکل نهایی قانون اساسی نخستین به شمار میرود. تدوین قانون اساسی در زمان شاه اممان الله و با ابتکار ایشان از مهمترین اقداماتی به شمار میرود که در دوره اصلاحات مد نظر شاه صورت گرفت چنانکه نویسند کتاب پنج قرن اخیر آقای صدیق فرهنگ در این مورد میگوید: «مهمترین کاری که در این دوره صورت گرفت،بدون شبیهه تصویباتون اساسی است که در سال(۱۳۰۲-۱۹۲۳) با عنوان «نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان» از جانب هشتمند نفر از ارکان دولت و سران قبایل که شه در جلال آباد به نام لوی جرگه دعوت نموده بود به تصویب رسید. به موجب این قانون که مرکب از ۷۳ ماده

محمد عرفانی

۴-۱. تدوین قانون اساسی قانون اساسی به عنوان مجموعه ای از اصول و قواعد جارجویی برای سازمان دادن به روابط قدرت در حکومت است.قانون اساسی لازمه ی حکومت محدود و مشروط است و چنین حکومتی نیز لازمه ی جمهوری است هرچند عین جمهوری نیست.قانون اساسی را لازمه دفاع از حقوق و آزادیهای اساسی فرد در مقابل خودسریهای اکثریت میداندند. به هر حال قانون اساسی ایژاری «خند اکثریتی» است.یعنی از یک سو مانع از بیان خواستههای غیر واقعی اکثریت و از سوی دیگر مانع از خودسریهای آن میشوند.با این همه در جمهوری های امروز،قانون اساسی مکتوب یکی از ارکان اصلی جمهوری به شمار میرود. به علاوه در جمهوریهایی قوانین اساسی از تغییر و تعدیل ممنون نیستند.حماینهای که همه ی قوانین اساسی از حقوق و آزادیهای فردی به



روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan Outlook AFGHANISTAN The Road to Freedom is Paved. © صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا. © مدیر مسؤول: محمد رضا هویدا. © سردبیر: حبیب الله زکی. © کارگاتوریست: خالق علی زاده. © دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی. © استول وب سایت: محمد علی بهرامی. © آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷